

نسرین ستوده؛ الگویی جهانی برای دفاع بی‌قید و شرط از حقوق بشر

«فرناز سیفی در گفتگو با کارگردان و تهیه‌کننده‌ی مستند «نسرین»

نسرین ستوده، وکیل مدافع حقوق بشر و زندانی سیاسی، در حال راه رفتن در خیابان‌های تهران، به دوردست نگاه می‌کند و خطاب به فیلم‌بردار می‌گوید شاید این تلاش‌ها، در کوتاه‌مدت نتیجه‌بخش نباشد، اما همه سرمایه‌های انسانی است برای آینده، برای فرداها؛ و آرام و باطمأنینه به راه رفتن در خیابان‌های خاکستری تهران ادامه می‌دهد. این صحنه‌ی پایانی مستند «نسرین» است. مستندی کم‌نظیر درباره‌ی نسرین ستوده که یکی از شناخته‌شده‌ترین چهره‌های مدافع حقوق بشر در ایران است. **جف کافمن**، کارگردان، طراح، نویسنده و تهیه‌کننده‌ی آمریکایی این مستند را کارگردانی کرده است و **مارشیا راس** تهیه‌کنندگی این مستند را برعهده دارد. مستندی که در جشنواره‌ی فیلم‌های مستند «گلوب داک» آمریکا در ماه اکتبر ۲۰۲۰، برای اولین بار اکران شد.

در این مستند، گروه فیلم‌برداری که نام آن‌ها برای حفظ امنیت‌شان فاش نمی‌شود، روزها و هفته‌ها نسرین ستوده را در زندگی روزمره‌اش دنبال کرده و از او فیلم می‌گیرند. ستوده را در دفتر کارش و گفتگو با موکلان و مهمان‌اش می‌بینیم، او را در حال آشپزی در خانه‌اش می‌بینیم، پشت فرمان اتوموبیل‌اش، در راه دادگاه انقلاب برای دفاع از موکلی، در حال خرید هدیه برای بچه‌های دوستان‌اش، وقتی منتظر سرویس مدرسه‌ی پسرش نیما ایستاده، وقتی میوه‌ها را در ظرف مرتب می‌چیند، در نمایشگاه نقاشی، در اجرای تئاتر و ... تصویرهایی به‌غایت روزمره و انسانی از زنی که سال‌هاست برای حقوق انسان‌ها می‌جنگد.

الیویا کلمن، هنرپیشه‌ی مشهور بریتانیایی که برنده‌ی جوایز متعدد هنری از جمله جایزه‌ی اسکار است، در فیلم نامه‌ها و یادداشت‌های نسرین ستوده خطاب به اعضای خانواده و عزیزان‌اش را می‌خواند یا روایت می‌کند. صدای او بر واژه‌های ستوده بسیار خوش نشسته است.

این مستند برخلاف رویه‌ی رایج مستندهای این روزها که بیشتر بر محور صحبت‌های دیگران درباره‌ی سوژه می‌گذرد، متمرکز بر خود سوژه است و حرف‌ها و روزمرگی او. رضا خندان، همسر نسرین ستوده؛ منصوره شجاعی، فعال حقوق زنان که سال‌ها با ستوده همکاری کرده؛ تقی رحمانی، فعال سیاسی از دیگر چهره‌هایی هستند که در این مستند درباره‌ی ستوده و تجربه‌ی کار و زندگی و مقاومت او صحبت می‌کنند.

به سراغ جف کافمن و مارشیا راس رفته‌ام و از آن‌ها درباره‌ی تجربه‌ی متفاوت ساخت این مستند، چالش‌ها و دشواری‌های پیش‌رو و شناخت آن‌ها از نسرين ستوده پرسیدم. آنچه در زیر می‌خوانید، پاسخ‌های مشترک آن دو به پرسش‌های من است.

فرناز سیفی: در کارنامه‌ی هنری هر دو شما چندین فیلم درباره‌ی حقوق زنان به چشم می‌خورد. چه شد که فیلم‌سازی درباره‌ی زنان به دغدغه‌ی مشترک شما تبدیل شد؟

کافمن-راس: هر دو معتقدیم که حقوق زنان، بنیادی‌ترین مسئله‌ی هر جامعه‌ای برای پیشرفت و شکوفایی است. در زندگی این شانس را داشتیم که با فعالان حقوق زنان از سراسر دنیا آشنا شویم، کسانی که زندگی و جان و امنیت خود را وقف بهبود وضعیت زنان کردند. فعالانی که هر یک به‌غایت ما را تحت‌تأثیر قرار دادند. در ابتدای سال جاری این فرصت را داشتیم که فیلم کوتاهی برای مجله‌ی تایم درباره‌ی تاریخ جنبش زنان ایران بسازیم. ما با نسرين ستوده در جریان ساخت فیلمی درباره‌ی نقض حق تحصیل بهائیان در ایران آشنا شدیم.

بله، اتفاقاً می‌خواستم اشاره کنم که این اولین فیلمی نیست که درباره‌ی ایران می‌سازید. پیش از این مستند «تحصیل زیر آتش» را درباره‌ی نقض حق تحصیل بهائیان ایران ساختید. چرا تصمیم گرفتید که نسرين ستوده سوژه‌ی مستند بلند شما درباره‌ی نقض حقوق زنان در ایران باشد؟

نسرين ستوده برای ما چهره‌ی شاخصی است چون تقریباً در هر حوزه‌ای که حقوق انسانی افراد نقض شده حضور پیدا کرده و از آن‌ها دفاع کرده است: از نقض حقوق زنان گرفته تا اقلیت‌های دینی، از دگرباشان جنسی در ایران تا حقوق کودک. از همان ابتدا به نظر ما رسید که او یک الگو است، نه فقط برای مردم جامعه‌ی خود در ایران، او یک الگوی جهانی برای دفاع بی‌قید و شرط از حقوق بشر است. از اواسط سال ۲۰۱۶ میلادی از طریق دوستان مشترکی که با ستوده داشتیم با او تماس گرفتیم. هرچقدر بیشتر با او در تماس و صحبت بودیم، احترام ما برای او و منش وی بیشتر شد و در تصمیم‌مان مصمم‌تر شدیم که به‌رغم چالش‌ها مستندی درباره‌ی او بسازیم.

راضی کردن نسرين ستوده به ساخت این مستند سخت بود؟ نگران نبود که ساخت این مستند در دسرهای تازه‌ای برای او به بار بیاورد؟

در گفت‌وگوهایمان آشکار بود که نسرين ستوده به درستی تمام لزوم صدای بلند، شفاف و عیان در برابر زورگویی یک حاکمیت ظالم را می‌داند. به نظرمان رسید که ستوده این فیلم را فرصتی دید که این صدای

آشکار علیه ظلم را آشکارتر و برای مخاطبان بیشتری بلند کند. فیلم‌های قبلی ما درباره‌ی ایران هم باعث شد که نسرین به ما و نگاه و شیوه‌ی کارمان اعتماد بیشتری داشته باشد. او از ابتدا یک چیز را مشخص کرد: نمی‌خواست این فیلم صرفاً درباره‌ی او باشد، می‌خواست فیلم تلاشی باشد که فعالیت‌های متعدد کنشگران ایران را هم نشان دهد و تقدیری از تلاش‌های همه‌ی فعالان مدنی ایران باشد. در طی ساخت فیلم بارها به او گفتیم که هرکجا احساس کرد ساخت این فیلم ممکن است امنیت او و خانواده‌اش را بیشتر به خطر بیندازد، بگویید و ما همان لحظه پروژه را متوقف خواهیم کرد. او چه در دوران ساخت فیلم و چه بعد از ساخت فیلم مطمئن بود که این فیلم باید ساخته و اکران شود.

یک نکته‌ی برجسته‌ی این مستند حضور گروه فیلم‌برداری است که نام‌شان ناشناس مانده و مدت‌ها ستوده را همه‌جا دنبال کرده و زندگی او را ثبت کرده است. خودتان هیچ‌وقت به فکر این افتادید که برای این مستند به ایران سفر کنید؟

هیچ‌یک از ما به خاطر تجربه‌ی ساخت مستندهای قبلی درباره‌ی ایران و به خصوص نقض حقوق بهائیان نمی‌توانستیم به ایران سفر کنیم. حتی اگر این مسئله هم نبود، همین که هر دو ما آمریکایی هستیم و حالا آمدیم ایران تا درباره‌ی یکی از چهره‌های مهم حقوق بشر ایران که مدام زیر ذره‌بین است فیلمی بسازیم، بی‌شک دردسرساز می‌شد. بسیار خوش‌شانس بودیم که توانستیم یک گروه فیلم‌برداری معرکه در داخل ایران پیدا کنیم که بی‌سروصدا با نسرین ستوده به همه‌جا و حتی پشت درهای زندان شیراز وقتی یکی از موکل‌های او اعدام شد، رفته و تصاویر بدیعی از نسرین ستوده در زندگی واقعی روزمره‌اش ثبت کردند. با این‌حال این آرزوی هر دو ماست که روزی بتوانیم به ایران سفر کنیم.

ساخت مستند وقتی خود کارگردان در محل حضور ندارد قطعاً تجربه‌ی سختی است. با این‌حال وقتی مستند را تماشا می‌کردم، مشهود بود که کارگردان با چه دقتی صحنه‌ها را انتخاب کرده و به دنبال هم چیده است، چطور از فیلم‌بردار خواسته که چه صحنه‌هایی را ثبت کند و در یک کلام با این‌که خودش آن‌جا نبود، حضورش کاملاً ملموس بود. این چالش نبودن در مکان را چطور مدیریت کردید؟

مهم‌ترین نکته این بود که با خود نسرین ستوده در ارتباط مداوم و سازنده بودیم. ساعت‌ها درباره‌ی چگونگی ساخت این مستند حرف می‌زدیم و از خلال این صحبت‌ها سعی می‌کردیم فضا را دقیق‌تر بشناسیم و بدانیم چه باید انجام داد و از چه کاری باید خودداری کرد. خوش‌شانس هم بودیم که در داخل ایران و بیرون از ایران افرادی را برای این پروژه پیدا کردیم که همگی به غایت مستعد و توانا و همراه بودند. دانش و توانایی و شناخت مجموعه‌ی این افراد قطعاً مهم‌ترین عامل بود که بتوانیم این مستند را از راه دور و بدون

حضور در محل، به خوبی پیش ببریم. متأسفانه نمی‌توانیم از این افراد نام ببریم، اما این پروژه بدون زحمات بی‌دریغ آن‌ها اصلاً پیش نمی‌رفت.

یک نکته‌ی برجسته‌ی مستند برای من این بود که نسرین ستوده در زندگی عادی روزمره‌اش تصویر شده بود. دنبال این نبودید که او را در قامت یک «ابر قهرمان» تصویر کنید.

برای ما یک نکته از قبل مسجل بود: بین رهبران ایران و شهروندان عادی ایران فاصله بسیار است و برخلاف کلیشه‌ای که در بسیاری از رسانه‌ها از مردم ایران تصویر می‌شود که فدایی رهبران ایران‌اند و در حال فریاد زدن به سوی دوربین، اکثر مردم ایران اصلاً ربطی به این تصویر ندارند. می‌خواستیم در مستند گوشه‌هایی از این روزمرگی عادی مردم ایران را هم نشان داده باشیم. ضمن این‌که به نظر ما یکی از بهترین شیوه‌های روایت و قصه‌گویی در فیلم، به تصویر کشیدن سوژه در روزمرگی عادی است. نسرین ستوده، همسری بی‌نظیر، حامی و همراه دارد و دو فرزند دوست‌داشتنی و باهوش و یک زندگی خانوادگی گرم. برای ما مهم بود که این وجهه‌ی زندگی او را دقیق نشان دهیم تا برای مخاطب روشن‌تر باشد که این زن دارد چه فداکاری‌ای می‌کند و از چه چیزهای عزیز و مهمی در زندگی‌اش به خاطر دفاع از حقوق بشر می‌گذرد و محروم می‌شود.

همیشه در روند ساخت پروژه‌های طولانی به خصوص درباره‌ی یک فرد ممکن است نظر و ارزیابی‌مان از سوژه دچار تغییر و تحول شود. این اتفاق در طول ساخت این مستند رخ داد؟ آیا ارزیابی و نظرتان درباره‌ی نسرین ستوده تغییری داشت؟

گاهی آن افرادی که دارند کارهای مهم و تأثیرگذار انجام می‌دهند، خودشان آدم‌های چندان خوب و تأثیرگذاری نیستند. نسرین ستوده و همسرش رضا خندان نه تنها به هدفشان باور کامل دارند، بلکه در زندگی شخصی نیز انسان‌های بسیار نازنین و والدین بسیار مهربان و خوبی‌اند. در طول ساخت این فیلم، احترام و تحسین ما برای او و همسرش هر روز بیشتر شد، هم در بُعد شخصی و هم در بُعد حرفه‌ای. و راستش اصلاً فکر نمی‌کردیم که ستوده بار دیگر بازداشت و زندانی شود و سلامت جسمی‌اش با آسیب جدی روبرو شود، این هنوز هم برای ما شوکه‌کننده است.

آیا خود نسرین ستوده توانست این مستند را تماشا کند؟

متأسفانه خود او نتوانست مستند را ببیند و قبل از اتمام ساخت فیلم بار دیگر بازداشت شد. اما همسر و فرزندان او توانستند مستند را ببینند. این نظر رضا خندان بعد از تماشای این مستند است: «خیلی

هیجان‌انگیز است که بعد از سال‌ها محصول نهایی این پروژه را که با کمک ده‌ها نفر و صدها مشکل پیش‌بینی‌ناشده و دشواری شکل‌گرفت و پیش‌رفت، تماشا کردیم. قصه‌ی ساخت این فیلم به جز این‌که "قصه‌ی زندگی ما" و بسیاری دیگر از کنشگران مدنی ایران را به تصویر کشیده، خود به تنهایی می‌تواند سوژه‌ی یک فیلم دیگر باشد. پشت صحنه‌ی ساخت این فیلم، قصه‌ی تلاش و زحمت ده‌ها آدم نازنین و یگانه از جمله جف کافمن و مارشیا راس است که شور و تلاش آن‌ها در فیلم مشهود و جاری است. عشق و تعهد و پایبندی آن‌ها به پیشبرد این پروژه بود که این فیلم خوب، تأثیرگذار و اثر ارزشمند هنری را ممکن ساخت. سر تعظیم در برابر افرادی چون اولیویا کلمن، آنجلیک کیدو، تدوین‌گر، آهنگساز و بسیاری دیگر از افراد دخیل در این پروژه فرود می‌آورم. از همه کسانی که برای ساخت این مستند زحمت کشیدند، سپاسگزاریم.»

مستند با امید تمام می‌شود، اما این امیدی محاسبه‌گر و دوراندیشانه است. نسرین ستوده امیدی ندارد که چیزی در کوتاه‌مدت و آینده‌ی نزدیک تغییر کند. اما به آینده‌ی درازمدت امیدوار است و تمام این تلاش‌ها را ماراتن و سرمایه‌ای برای فرداهای بهتر می‌داند. آیا نسرین ستوده را فردی امیدوار یافتید؟ چرا این صحنه را برای پایان فیلم انتخاب کردید؟

فیلم را با این صحنه تمام کردیم چون به نظرمان بخش مهمی از شخصیت نسرین ستوده در این صحنه پیداست. بدون امید، چه چیز باقی می‌ماند؟ اما امید به تنهایی، پوچ و بی‌معنی است. امید به تلاش مداوم و تعهد نیاز دارد. نسرین ستوده به لزوم جهان عادلانه‌تر و تلاش مداوم برای تحقق چنین جهانی باور دارد، نه فقط در ایران که در باقی جهان و از جمله در ایالات متحده آمریکا. این صحنه را برای پایان فیلم انتخاب کردیم چون نسرین در این صحنه با همان اعتمادبه‌نفس و آرامش همیشگی‌اش راه می‌رود و از فرداها می‌گوید. ستوده در نامه‌ای به ما از لزوم «قدم برداشتن در کنار یکدیگر به دوستی» نوشته بود. این آرزوی ما نیز هست. آرزو داریم روزی مردم ایران و آمریکا در کنار یکدیگر، به آزادی، درک بهتر و دوستی قدم بردارند.

منبع سایت آسو